

پژوهش‌های مردم‌شناسی و مطالعات فرهنگی

# ایران شناسی

- تازه‌ها و پاره‌های ایران‌شناسی (۴۵) / ایرج افشار
- شهر زیبای هرمز / همایون صنعتی‌زاده
- ایران پژوهی در ژاپن: کتابها و مقاله‌های تازه / دکتر هاشم رجب‌زاده

## ۹۷۲- ره آورد بامیان

دوست دانشمند افغانی محمد سرور مولایی در سفر پائیز ۱۳۸۳ که از بامیان به طهران آمد - چون او پس از سامان‌پذیری افغانستان ریاست دانشگاه آنجا را در عهده کفایت گرفته است - کتابها و مجله‌هایی برایم آورد تا به یادم بیاورد که هنوز گویندگان هستند در چهار گوشه افغانستان که برای زبان و ادبیات فارسی شور و جوش دارند و جانشینان کسانی‌اند که در هفتاد و چند سال پیش انجمن ادبی را پی‌ریزی کرده بودند.

نخستین کتابی که مرا به خود کشید «زبان‌های برج خاکستر - گزینۀ شعر امروز هرات» (هرات، ۱۳۸۰) نام دارد. به کوشش بهاء‌الدین بها تیموری گردآوری شده است و محمدناصر رهیاب بر آن مقدمه‌ای دارد در بیست و دو صفحه و این مقدمه شورانگیز نگاهی است به شعر کنونی هرات و مجموعه مورد نظر. عبارتی از آن را می‌آورم چون حاوی نکته‌ای ناقدانه است.

«چنین است ثمر بیدل و هر فرزانه دیگر و چنین است خطر بیدل و هر فرزانه دیگر که چشمها را خیره می‌کنند، اندکی را به اوج می‌رسانند و گروه بزرگی را به خاک سیاه تقلید که با اقتباس فاصله دارد می‌نشانند. مسأله تأثیرپذیری امری است روشن، زیرا هیچ کار آفرینش‌گری بی‌ریشه و بی‌زمینه نمی‌تواند باشد... برخیاها برین پندار ناروا تکیه زده‌اند که با تصویرسازی و عبارات مقلوب می‌توان شعر گفت. این باوری است سخت نادرست، زیرا ساده‌ترین کار تصویرسازی است. هر کس می‌تواند دو یا چند چیز از جهانهای گوناگون را فراچنگ آورد و پهلوی هم بگذارد.



# تحقیقات کوشانی

مجله به مطالعه علمی - تحقیقی

سال ۱۳۸۲

دوره سوم شماره اول سالانه

## سپیده: فصلنامه هنری و فرهنگی

شماره دوازدهم - سیزدهم، تابستان و پاییز ۱۳۸۰

صاحب امتیاز: مرکز فرهنگی عرفان

زیر نظر هیأت تحریر

مدیر مسؤول: محب بارش

معاون: باز محمد عابد

مشاور: رحیم عطایی

صفحه آرا: میر عابد حسینی



تقدیمی علوم افغانستان، مرکز بین المللی تحقیقات کوشانی

از دیوانگان نیز چنین کاری همواره سر می زند. میان فرآورده های سخن آفرینان و گپهای روان پریشان تنها سر موئی فاصله است. تصویری که معلق نباشد و ریشه در فرهنگ داشته باشد متعالی است ورنه جز بیهوده گویی نتواند بود...»

درین مجموعه نمونه اشعار بیست و هشت شاعر از جمله نام آورانی چون شایق، ناصر امیری، محمد آصف فکرت، لطیف ناظمی، عبدالغفور آرزو و عبدالله آرزو دیده می شود. طبعاً اشعار زیادی از آن میان گویای شور وطنی و رنج غربتی است که بزرگواران افغانی به سوز و گداز تحمل کردند.

کتاب ادبی دیگر به نام «سخن سرایانی از سده سیزدهم» پژوهش محمدحسین نایل استاد دانشگاه کابل (کابل، ۱۳۸۲) و از انتشارات انستیتوت زبان و ادب دری آکادمی علوم افغانستان است. بر آن دو مقدمه دیده می شود یکی از استاد رهنما. و دیگری از محمد یعقوب واحدی.

چهار فصل کتاب در معرفی شعرا است: سخنوران غزلسرا - عرفان گرایان و چکامه سرایان - حماسه سرایان و داستان پردازان - هنرمندان و نگارشگران دیگر.

از غزلسرایان: حاذق - سیدای کروخی - کلب علی خان شرر - عبدالمجید بیخود - لعل محمدعاجز - عبدالله مصرع - ولی طواف کابلی

از عرفان گرایان: میر محمود شاه عاجز - رحمت بدخشی - غلام امام شهید - میر واعظ -

ابن قاضی - عبدالواحد صدر صریر - ادیب پیشاوری - سیدمیر  
از حماسه سرایان: حمید کشمیری مولانا محمد غلام غلامی کوهستانی - رضا بخش ناطق  
از هنرمندان: شاه محمد حسین - سرایندگان برنابادی.

کتاب دیگر مرحمتی تحقیقی است از نظر محمد عزیزی به نام ساختمانهای معماری و هنر  
تزیینی برجسته تپه شتر هده ناگاهارای قدیم». آن را مرکز بین‌المللی تحقیقات کوشانی وابسته به  
آکادمی علوم افغانستان که به مباحث تاریخی و باستانشناسی نگرشی ژرف دارند انتشار داده و  
چنین نوشته‌هایی را برای تعالی فرهنگ در آن سرزمین بایسته می‌دانند. برای ما ایرانیان نیز مغتنم  
است.

#### اما نشریات ادواری

اندیشه (فصلنامه علمی - پژوهشی پوهنتون هرات). شماره نخست سال اول (تابستان ۱۳۸۱).  
مجله‌ای است دانشگاهی حاوی این گونه مقالات: تربیت در نگاه و اندیشه امام ابوحماد  
غزالی (عبدالرئوف مخلص) - پیدایش داستان معاصر دری (محمدناصر رهیاب)، پرورش  
درخت پسته - هرات پرورشگاه ملا عبدالعلی بیرجندی (محمد مسعود رجایی) - قواعد جدید  
در زحافات عروض (محمد داوود منیر) - طریقه‌های چهارگانه تصوف اسلامی (صالح عمید)  
- سراج النکات و منیراللغات قاموسی ناتمام در غبار نسیان (محمد قاضی زاده)

آورنگ هشتم (نشریه انجمن ادبی هرات)

مجله‌ای است ماهانه در زمینه‌های ادبی و تاریخی برای علاقه‌مندان عمومی خوان.

شورش کار علم انسانی و مطالعات فرهنگی

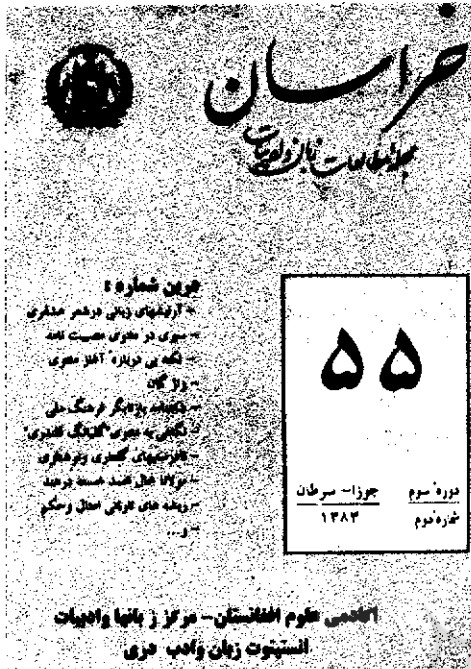
تحقیقات کوشانی (مجله سه ماهه علمی - تحقیقی).  
از نشرات مرکز بین‌المللی تحقیقات کوشانی آکادمی علوم افغانستان. آنچه به دست من  
رسیده شماره فوق‌العاده دوره سوم (سال ۱۳۸۲) است حاوی هشت مقاله تألیفی و ترجمه‌ای،  
همه در زمینه و مربوط به کوشانیان.

جامعه مدنی (ماهنامه اجتماع جامعه مدنی افغانستان)

با چاپ و جلد خوب و رنگین حاوی مقالات و نوشته‌ها با عناوین کلی: رویدادها و گزارشها  
- مدنی روزونه - دیدگاهها.

بخشی از مقالات به فارسی و بعضی به پشتوست. شماره اول سال دوم (۱۳۸۳) دیده شد.

خراسان (مجله مطالعات زبان و ادبیات)



## اندیشه

فصلنامه علمی - پژوهشی پوهنتون هرات

صاحب امتیاز: پوهنتون هرات

مدیر مسؤول: پوهنیار محمد داوود منیر

زیر نظر هیات تحریر

ویراستار: ابوتیمیم

صفحه آرایی: خدمات کمپیوتری سیدی

چاپ: نشرات پوهنتون

شماره اول، سال اول، تابستان ۱۳۸۱

نشانی: پوهنتون هرات، مدیریت نشرات

این مجله در سال ۱۳۶۰ بنیاد گرفت و نشریه انستیتوت زبان و ادب دری آکادمی علوم افغانستان است.

شماره‌ای که پس از سالها به دستم رسید شماره دوم دوره جدید (جوزا ۱۳۸۳) است و از عدد ۵۵ که به درستی بر روی جلد آمده است می‌توان دریافت که تاکنون کلاً پنجاه و پنج شماره منتشر شده است. از ادبای پیشین که با نام و آثارشان آشنایی بود نوشته‌هایی از محمدحسین یمین، عبدالقیوم قویم، عین‌الدین نصر درین شماره دیده شد.

سپیده (فصلنامه هنری - فرهنگی مرکز کلتوری عرفان).

شماره دوازدهم - سیزدهم با یاد شاعر معروف صوفی عشق‌ری انتشار یافته است. در مجله مقاله‌ها به زبانهای فارسی و پشتوست. این مجله ادبی بیشتر به نشر آثار جوانترها اختصاص دارد.

عرفان (ماهنامه وزارت معارف)

این مجله به سال هشتاد و دوم (۱۳۸۲) انتشار رسیده و مندرجات آن به زبانهای فارسی و پشتوست. نمونه مقالات: بخش چند معنایی کلمه‌ها در سخن‌آرایی - دکوشانیو دین او آئین -

# عرفان

سال هشتاد و دوم شماره ۴-۱۲ (سرطان - حوت) ۱۳۸۲

جمادی الاول ۱۴۲۴ - محرم ۱۴۲۵ هـ ق

July 2003 - March 2004

ماهنامه وزارت معارف  
در عرصه های آموزش، پرورش،  
اجتماع و ادبیات

۷۹

چگونگی زبان و لهجه معیاری - مفاهیم اساسی مبادی تاریخ - بازتاب مفهوم زیبایی در  
غزلیات حافظ - شناسنامه مولانا چرخي - پدیده جهانی شدن در ادبیات و فرهنگ

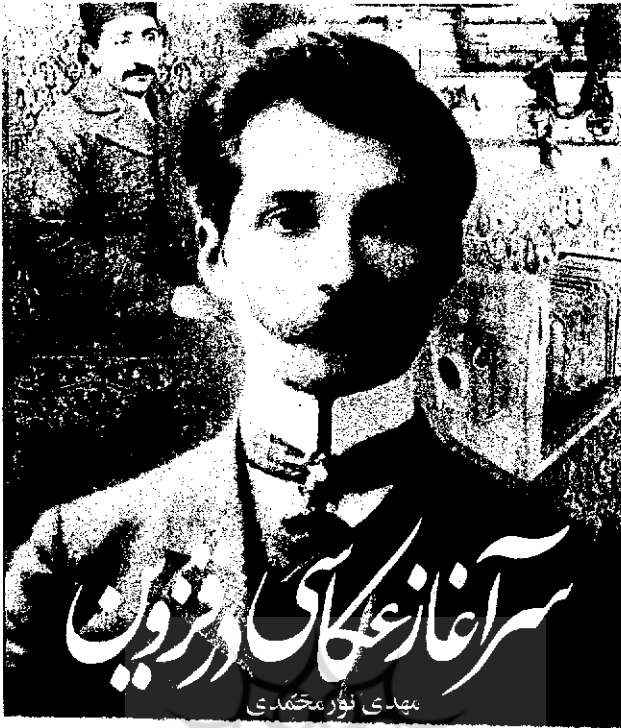
فرخار (نشریه خانه ادبیات و افغانستان).

مباحث شماره اول سال اول آن (زمستان ۱۳۸۲) عبارت است از: مقاله - شعر - نقد -  
خوان هفتم (گفتگو) - شعر ایران - شعر جهان - داستان - داستان جهان - نقد - هنر - گزارش

## ۹۷۵ - عکاسی قزوین

مهدی نورمحمدی کتاب تازه ای برای شهر قزوین به چاپ رسانید (تهران ۱۳۸۳). این کتاب  
سراغاز عکاسی در قزوین نام دارد و ظاهراً پس از کتابی که برای عکاسی شیراز انتشار یافت  
دومین اثری است که درباره عکاسی یک شهر با حسن سلیقه تهیه شده است.

طبق پژوهش آقای نورمحمدی نخستین عکاس قزوین امجد الوزاره نام داشته است. او ملاک  
و از اعیان بود و احتیاجی به کسب عکاسی نداشت. ولی ذوق هنری او را بدین کار کشیده بود.  
این کتاب به دو گونه با عکاسی قزوین مربوط است: یکی آوردن سرگذشت عکاسان قدیمی



و نمونه کارهای آنان است. دیگر آوردن عکاسهایی است که از عمارات آن شهر در دوره ناصری به بعد برداشته شده و مجموعه‌ای از آنها درین کتاب ارزشمند به چاپ رسیده است. بنا به نوشته نورمحمدی نخستین عکس که امجد الوزاره برداشته مورخ ذی قعدة ۱۳۲۴ قمری است. عکاس بعدی صارم لشکر لقب داشت و محمود امضا می‌کرد. از و عکسی مورخ به سال ۱۳۲۶ قمری بر جای است. کار علوم انسانی و مطالعات فرهنگی یکی از عکاسان نامور قزوین گاراگین سیمونیان بود. عکس معروفی که از و در دست است آن است که در شهریور ۱۳۰۰ در باغ ایالتی مشهد از کلنل محمدتقی خان پسیان انداخته است و بیست و یک روز پس از آن کلنل کشته می‌شود این مجموعه می‌تواند انگیزه‌ای باشد که محققان شهرهای دیگر هم برای شهر خود کتابی بدین دل‌انگیزی - هم خواندنی و هم دیدنی - فراهم کنند.

#### ۹۷۶ - رساله شرفیه

خوشبختانه چاپ کردن نسخه‌های خطی روز به روز دامنه می‌یابد. در سال ۱۳۸۳ رساله شرفیه صفی‌الدین ارموی به مناسبت جلساتی که درباره او تشکیل شده است از روی نسخه‌ای که در کتابخانه دانشگاه ییل و به شماره S. 73 (یعنی از مجموعه سالیسبوری) و میکروفیلمش به

شماره ۵۰۹۷ در کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران نگاه‌داری می‌شود به چاپ رسیده است. (بطور عکسی)

یازده سال پیش ازین (۱۹۸۴) چاپ نسخه برگردان دیگری ازین متن با مقدمه موسیقی شناس متبحر کنونی Eckhard Neubauer به اهتمام فؤاد سزگین در ردیف نسخه‌هایی که توسط مؤسسه اسلام و عرب دانشگاه فرانکفورت به چاپ می‌رسد به شماره (6 - Serie C) همراه کتاب الادوار همان مؤلف که به خط احمد بن محمد مورخ ۱۲ ربیع الاول ۸۲۷ (متعلق به کتابخانه احمد ثالث در استانبول - شماره ۳۴۶۰) موجودست به چاپ فاکسیمیله انتشار یافته بود. ظاهراً چون ناشران کنونی خبری از آن نداشتند چاپ دیگری را واجب دانسته‌اند، ورنه در مقدمه ذکری کرده بودند که چاپ دیگری هم از همین متن در دسترس محققان می‌باشد.

پشت جلد چاپ کنونی صریحاً نسخه به خط مؤلف دانسته شده است زیرا در پایان نسخه آنچه به ظاهر حالت کلفون (انجامه) برای چاپ کنندگان دارد این عبارت است: «وتمت الرسالة بعون الله و حسن توفیقه بید مؤلفه فی اواخر جمادی الاول سنه ست و ستین و ستمایه». بلافاصله ذیل آن نوشته‌اند «احتمال این که این نسخه به خط ارموی باشد قطعی است». اما اگر احتمال است چطور می‌تواند قطعی باشد. پیش از نقل عبارت هم نوشته‌اند «عبارت پایان نسخه رساله شرفیه منسوب به ارموی» است و ظاهراً درین جا منظور از منسوب «عبارت پایان نسخه» است نه آنکه خط متن شرفیه را منسوب به ارموی بدانند.

نسخه‌هایی که کاتب از خود رقمی بر جا نگذاشته باشد بسیارست. نیز بسیار است نسخه‌هایی که رقم پایانی مؤلف را کاتبان بعدی نقل کرده‌اند. و شاید این نسخه هم از آن رده باشد. بنابراین هماره باید میان انجام که عبارات پایانی مؤلف است با «انجامه» که عبارات برافزوده از سوی کاتبان نسخه است به دنبال متن تفاوت قائل شد.

بنابراین برای اینکه بتوان چنین نسخه‌ای را خط مؤلف دانست مناسب بود دلائل متنی (از حیث صحت) و تطابق رسم الحروفی نسخه با خطوط مسلم زمان مؤلف به قرینه ارائه می‌شد. برای متنی بدین اهمیت جا داشت که فهرست ابواب و فصول و فهرست اصطلاحات خاص تهیه شده بود. البته در معرفی کتاب فهرست پنج مقاله در مقدمه آمده است ولی ذکری از فصول مندرجات نشده است.

AJAMES — ۹۷۷

نام اختصاری سالنامه انجمن ژاپونی برای مطالعات خاورمیانه (Annals of Japan Association for Middle East Studies) است که در سال ۲۰۰۴ جلد نوزدهم آن انتشار یافته





است.

هر شماره آن معمولاً گفتاری پژوهشی در قلمرو ایرانشناسی دارد، جز این دفتر. از شماره ۲ جلد ۱۹ (سال ۲۰۰۴) عناوین رساله‌های دکتری که درباره ایران نوشته می‌شود آورده می‌شود:  
(دانشجوی دکتری دانشگاه توکیو) **Zahra Taheri**

The depiction of women in Persian Literature: Women and the primal sin in Nasihat  
- al - Muluk

(دانشجوی دکتری مؤسسه فنی توکیو) **Arezoo Fakhrehajani**

The identity and national recognition in the Azarbaijan district in Iran: Modern  
history seen by oral history.

**Suzuki, Hitoshi:** Rethinking on *rusta shahr*, newly emerging small towns in Iranian rural  
side.

۸۳

(دانشجوی دکتری دانشگاه هکایدو) **Kameya, Manabu**

Issue of Arab - Sassanian Coins in Darabgrd.

### ۹۷۸ - خط و صاف الحضرة

در شماره ۳۷ و شماره ۳۹ - ۴۰ مطلب مربوط به آن چاپ شد ولی هر دو بار از یاد رفت که عکس خط به چاپ برسد. اینک جبران می‌شود. انجامه‌ای است که و صاف الحضرة بر پایان نسخه تاریخ و صاف به خط خود نوشته است.

### ۹۷۹ - رجال گذشته و آثار باستانی

سیزدهمین مجموعه اسناد تاریخی دفتر رئیس جمهور مربوط به «باستانشناسی در ایران» است. اسناد پیوستگی به هم ندارد. اموال از سال ۱۳۰۵ که توجه و علاقه‌مندی به موضوع عتیقات به عنوان آثار ملی و ولی اغلب جالب نظرست عمومی میان رجال دولتی پیدا شد. این مجموعه سند تا ایام دکتر محمد مصدق و کمی پس از آن را در بر می‌گیرد و متأسفانه آنچه از این دوران هست چندان گویای همه جوانب نیست. اغلب اسنادی است که به نحوی می‌بایست به دربار نوشته می‌شد تا شاه از جریان کارها آگاه باشد. مخصوصاً در دوره وزارت تیمورتاش نسبت

به تشکیل نمایشگاه بین‌المللی هنر ایران در لندن این دقت معمول شده است زیرا پیشنهادهای مع الواسطه انگلیسیها آن بوده است که تقی‌زاده یا تیمورتاش یا فروغی به نمایندگی ایران حاضر شوند به مناسبت آنکه پادشاه انگلیس نمایشگاه را می‌دیده است. و می‌خواسته‌اند که فرد متشخصی در آنجا حضور داشته باشد. ولی مهدی دیبا (شعاع الدوله) بدان نمایندگی تعیین می‌شود.

برای آگاهی از نمونه دقتها در حفظ حیثیت ایران و نگاه بانی آثار ملی چند عبارتی از نامه‌ای نقل می‌شود.

از وزارت دربار به محمدعلی فروغی به پاریس - ۲۸ مرداد ۱۳۰۶: «در باب امتیاز حفریات، سفارت فرانسه می‌گوید که شرایط امضای قرارداد اساسی در الغای امتیاز تقبل داشتن مدیر اداره عتیقات برای مدت بیست سال است. دولت البته این تعهد را نمی‌تواند بپذیرد... برحسب تصمیم دولت از حضرتعالی تمنی می‌شود در این باب مذاکره بفرمائید شاید بدون این شرط و فقط با استخدام پنج سالة متخصص فرانسوی امتیاز حفریات مکفی شود...»

#### ۹۸۰ - دو مقاله تازه از رودی ماتی R. Mattee

رودی ماتی ایرانشناس هلندی است اما در امریکا تدریس می‌کند و استادست در رشته تاریخ خاورمیانه. او رشته کارهای تحقیقی خود را منحصر به ایران کرده و چند کتاب خوب انتشار داده و مقالات متعدد پژوهشی و ابتکاری نوشته است.

اخیراً دو مقاله جدیدش به دستم رسید. یکی پژوهشی است درباره هیأت اعزامی از هلند به ریاست Van Leene که به دربار شاه سلیمان صفوی آمده بودند و به قول ماتی بازدید آنها از ایران موجب ارتباط و تبادل فکری و فرهنگی شده بوده است. مشخصات آن نقل می‌شود.

Negotiating across Cultures: The Dutch Van Leene mission to the Iranian Court of Shah Sulayman, 1689 - 1692. *Eurasian Studies*. III, 1 (2004): 35 - 63.

مقاله دیگرش درباره تاریخچه استفاده از دخانیات میان ایرانیان است. این نوشته را با سبکی عمومی تر و برای مجموعه‌ای نوشته است به نام

Smoke. A Global History of Smoking. Edited by Sander Gilman and Zhou Xun. London, 2004. pp. 58 - 67, 368 - 371

مقاله گفتاری است در چگونگی رسیدن تنباکو به ایران و شیوع آن میان طبقات مختلف از شاه تا گدا و بیان روایاتی که سیاحان عهد صفوی در آن باره نوشته‌اند. از جمله آن که سربازان در جنگ میان عثمانی و ایران در عهد شاه عباس اول پول زیادی را صرف خرید تنباکو می‌کردند و

قلیان‌کشی مطلوب همگان شده بود. به نوشته ماتی قدیمی‌ترین تصور غلیان در کتاب Tabacologia تألیف Johan که به سال ۱۶۲۲ در هلند طبع شد به اروپائیان ارائه شده است. دو واقعه مهم که در موضوع تنباکو و توتون برای ایرانیان پیش آمد یکی اختلاف نظر در مورد حرمت دودکشی از نظر فقهی است و دیگری مبارزه با قرارداد رژی و واپس خواندن آن در عصر ناصری که از نظر سیاسی اهمیت داشت. طبعاً جا دارد کتابی در زبان فارسی دربارهٔ دخانیات به ترتیب روشمندان و جامع نوشته شود.

#### ۹۸۱- دو مقاله تازه از ماریا شوپه

Maria Szuppe از ایرانشناسانی است که در CNRS فرانسه در بخش «دنیای ایرانی» کار می‌کند و سردبیر مجلهٔ Studia Iranica است. بسیار پرکار و خوش سلیقه است. او از وقتی که ازبکستان و تاجیکستان استقلالی یافته‌اند توجهی خاص به پژوهش در مباحث فرهنگی و تاریخی آن نواحی پیدا کرده است. به همین مناسبت در نشریهٔ Cahiers d'Asie Centrale که از جانب انجمن فرانسوی مستقر در ازبکستان (تاشکند) نشر می‌شود مقالات ارزشمند از وی دیده می‌شود. شوپه بیشتر مطالب مربوط به عصر تیموری تا اواسط صفوی می‌پردازد و بی‌تردید یکی از برجستگان تحقیق دربارهٔ تیموریان و مخصوصاً صفویان است.

یکی از مقاله‌ها در مجلهٔ مدرسهٔ مطالعات عالی و علوم اجتماعی پاریس که Annales (Histoire, Science Sociales) نام دارد چاپ شده است. (جلد ۵۹، شماره ۵-۶ سال ۲۰۰۴). موضوع این مقاله به فرانسه، معرفی جریانهای مربوط به گشت و گذار ادبا و مراکز ادبی میان آسیای مرکزی-ایران و هند شمالی در قرون پانزدهم تا هجدهم میلادی (نهم تا دوازدهم) است. نوشتهٔ شوپه بیشتر براساس نوشته‌ها و متون فارسی است و نیز مطالعات زمان حاضر و در آن این مباحث مطرح شده است: اهمیت تذکره‌ها، کتابخانه‌ها، خطاطان، حفاظ قرآن، کتابفروشان، نسخه‌های آرایشی، خانقاه‌ها. *تال جامع علوم انسانی* دانستن زبان ادبی، مجلس و صحبت و سماع و قهوه‌خانه، معماگویی و تتبع و جواب شعری از دیگر مطالب این مقاله است.

شوپه از سفر کردن به قصد تحصیل، زیارت، دیدارهای دوستانه، کاریابی نیز سخن گفته و نمونه‌هایی را نقل کرده است که معمولاً ذکر آنها در تذکره‌ها مندرج است.

مقالهٔ دیگر او به انگلیسی در مجموعه‌ای به نام Women in Iran from the rise of Islam to 1800 درج شده است. این مجموعه را خانم گیتی نشأت و Lois Beck در سال ۲۰۰۳ در اوربانا و شیکاگو به چاپ رسانیده‌اند. عنوان این مقاله که در سی صفحه است چنین است:

Status, Knowledge and Politics: Women in Sixteenth - Century Safavid Iran.

درین مقاله وضع زنان دربار صفوی، آداب معاشرت و طرز تعلیم دیدن و دخالت آنها در امور دربار، حتی سیاست و جنگ مطرح است. مخصوصاً قسمتی به رویه و کارهای پریخان خانم دوم دختر شاه طهماسب و خیرالنساء بیگم اختصاص دارد.

#### ۹۸۲ - فهرست مشترک مالکین نسخه‌های خطی

در فهرست نگارهای نسخ خطی حقی که معمولاً پامال می‌شود نسبت به دارندگان پیشین نسخه‌های خطی است، مگر آنکه آن شخص کسی بوده باشد مانند ابن‌سینا یا صدرالدین قونوی یا در حد معتمدالدوله فرهاد میرزا. اگر مالکان در قله شهرت و اهمیت باشند فهرست‌نگار برای آنکه اهمیتی خاص بدان نسخه بدهد یادآور نام مالکان شاید بشود.

دیروز فهرست نسخه‌های کتابخانه صدوقی (یزد) نگارش فاضل ارجمند آقای سیداحمد اشکوری را می‌دیدم و به بخشهای مربوط به نسخه‌شناسی می‌نگریستم و دیدم که عده‌ای از نسخ آنجا را یاد کرده‌اند که از عبدالحسین بیات بوده است. یا در فهرستهای دیگر ایشان از سعید نفیسی و اقران او که روزگاری مالک نسخه‌هایی بوده‌اند یاد شده و طبعاً کاری بجا و آموزنده کرده‌اند هم ازین حیث که بتوان به تدریج آگاه شد که کتابهای پراکنده شده این قبیل اشخاص کجاست و هم ازین جهت که این افراد به چه کتابهایی علاقه‌مندی داشته‌اند.

شناخت مالکیت نسخ منوط به آن است که مالک نوشته‌هایی از خود در نسخه نوشته باشد یا مهوری از خود بر آن نقش کرده باشد.

اگر هر کتابخانه‌ای فهرستی از اسامی مالکین نسخه‌های در اختیار خود را تهیه کند یا فهرست‌نگاری بطور ویژه بدین قلمرو اختصاصی بپردازد بسیاری اطلاعات مفید قابل عرضه شدن به دست خواهد آمد و جریانهای مربوط به نقل و انتقال کتب که گوشه‌ای نمایان از حرکت‌های علمی است آشکار خواهد شد. خوشبختانه درین بیست سال اخیر تهیه فهرست از نام مالکان جسته‌گرفته در فهرستها دیده می‌شود.

#### ۹۸۳ - لباس مخصوص پاسبانی در عهد مولانا

گذشتم برگذرگاهی بدیدم پاسبانی را

نشسته بر سر بامی که برتر از آسمانستی

کلاه پاسبانانه، قبای پاسبانانه

ولیک از های و هوای او دو عالم در امانستی

به دست دیده‌بان او یکی آیین شش سو

که حال شش جهت یک در آینه بیانستی

به تشویق آقای علی دهباشی که همواره یادکرد بزرگان پژوهش در قلمرو ایران‌شناسی را در نظر دارد درین شماره نامه‌های دانشی مرد نامور دکتر محمد معین به چاپ می‌رسد

- ۱ -

دوست عزیز فاضل آقای ایرج افشار پس از عرض سلام.

یک روز جمعه آقای صحاف<sup>۱</sup> به منزل آمدند نبودم، ده جلد کتاب را گذاشتند. دیگر ایشان را ندیدم.

اولاً تصور می‌کنم که جمعاً یازده مجلد تقدیم شده بود، البته جنابعالی بهتر می‌دانید. در هر حال سؤال فرمائید.

ثانیاً این کتابها را تمیز جلد کرده.<sup>۲</sup> پشت جلد و داخل جلد علائم و آثار دست خوردگی و چسب باقی است و در داخل جلد کاغذ بسیار نازک چسبانیده، قابل مقایسه با کتابهای آقای پورداد نیست.

ثالثاً با وجود این اوصاف پنج جلد کتاب «ابن سینا» تقدیم می‌شود. امر بفرمائید با دقت بیشتر عین کتابهای قبلی (سری کتابهای آقای پورداد) تجلید نمایند.

رابعاً عجباً مبلغ سی صد ریال تقدیم شد که به ایشان لطف کنید تا جمعاً حساب شود. کتابها را پس از تجلید به مغازه کتابفروشی زوار بدهند و رسید بگیرند.

خامساً با وجود زحمت جنابعالی راجع به مجله «جهان نو» باز شماره‌های زیر کسر است: سال هفتم شماره ۱۶، ۱۷، ۱۸.

سادساً یک جلد چهار مقاله و یک جلد برگزیده شعر جهت آقای حسین حجازی تقدیم شد لطف فرمائید.

سابعاً خواهشمند است مرقوم فرمائید از کتب دستور زبان فارسی (به فارسی در زبانهای بیگانه) در دانشکده حقوق چه دارید؟ موجب امتنان است.

محمد معین

۱- اشاره به صحاف زبر دست فریدریش لانکامرر بود که در دانشکده حقوق و علوم سیاسی محلی به اختیارش بود برای تجلید کتابهای آن دانشکده و در ساعات فراغت کتابهای استادان را هم صحافی می‌کرد.

۲- کذا، ظاهراً نکرده مناسب است.

دوست عزیز آقای ایرج افشار

چند بار کوشش کرده‌ام به شما تلفن کنم نشد. پریروز پنجشنبه به پسر عمو مأموریت دادم صبح به شما تلفن کردند. دوبار تلفن کرد موفق نشد. ساعت ۳/۵ بعدازظهر به کتابخانه دانشکده تلفن کردم گفتند تشریف ندارید. در هر حال،

اولاً معذرت می‌خواهم از اینکه نتوانستم روز پنجشنبه شرفیاب شوم زیرا از دو هفته قبل دو جای دیگر دعوت داشتم و برای همین تلفن کردم.

ثانیاً آقای زوار اطلاع داد که به کتابفروشی تشریف برده‌اید و کتاب<sup>۱</sup> را هم داده‌اند به مناسبت آنکه در ظهر آن نوشته نبود نگرفتید. بنده قبلاً سپرده بودم. اما چون در مجلد اول هم نوشته نشده بود گفتم کتاب را ببرید تا یک باره هر دو را بنویسم. در هر حال کتاب را بگیرید.

ثالثاً از مجله مهر شماره ۱۱ و ۱۲ نرسیده - از مجله جهان نو سال هفتم شماره ۱۲ و ۱۳ و ۲۰ و ۲۱ (بعد از ۲۲ اگر شماره‌ای چاپ شده باشد. اما خود ۲۲ رسیده).

روز سه‌شنبه منتظر خواهم بود. با آقای دکتر صفا هم مذاکره شد.<sup>۲</sup>

ارادتمند - محمد معین

دوست فاضل گرامی آقای ایرج افشار

نامه شریف در اسفند ماه زیارت شد و بعداً شنیدم که به مسافرت تشریف برده‌اید. اینک چند عرض مختصر را اجمالاً می‌نگارم:

۱ - کتابهایی که برای صحافی داده شده بود آقای لانکامرر تا کنون نداده‌اند. خواهشمند است تأکید فرمائید به کتابفروشی زوار بدهند به من می‌رسد و طلب او را هم توسط حامل (پسر عمو) یا مغازه زوار اطلاع فرمائید.

۲ - شماره‌های کسری «جهان نو» هنوز نرسیده، منتظرم که لطف فرمائید تا جلد کنم.

۳ - مجله مهر شماره اخیر رسید. دو ورق آن زیر چاپ حروف منعکس شده خوانا نیست.

خواهشمند است یک نسخه دیگر از همین شماره لطف کنید که برای صحافی کامل باشد.

۴ - در مورد کتابهای مربوط به دستور، اتفاقاً عده‌ای کتباً و شفاهماً از بنده خواسته بودند و من

هم جواب دادم که در شماره سوم مباحث دستور زبان فارسی (چون دوم قریب به اتمام است)

۱ - مراد برهان قاطع است

۲ - موضوع مربوط به مجله دانشکده ادبیات است و در نامه‌های مرحوم دکتر صفا نیز منعکس است.



دکتر محمد معین

صورتی از آنها ضمیمه کتاب کنم، در هر حال مانعة الجمع نیست. جناب عالی هم می‌توانید در «فرهنگ ایران زمین» چاپ کنید و البته استفاده خواهد شد.<sup>۱</sup>

۵- از زحمتی و لطفی که در تقریظ و معرفی «برهان» در شماره اخیر [مهر] فرموده‌اید ممنون است ولی متأسفانه گویا زیاد عجله فرموده‌اید و چند موضوع از قبیل خیار شنبر (= چنبر)، زنبق و دلدل و خارپشت، مفاهیم امروزه، یا تلقین بعضی موجب گمراهی شده است و سؤالاتی از نگارنده کرده‌اند. خوشبختانه این بخش به امضای جناب عالی نیست، ازین رو جبران ممکن است. در هر حال مقاله ضمیمه را ممکن است به امضای من یا خودتان در مجله مهر چاپ فرمائید که رفع اشتباه از خوانندگان شود. اگر هم صلاح نمی‌دانید صرف نظر کنید اشکال ندارد.<sup>۲</sup>

ارادتمند - محمد معین

- ۲ -

دوست گرامی آقای ایرج افشار

۱- آبونمان فرهنگ ایران زمین را به ضمیمه ارسال می‌دارد.

۱- اشاره است به کتابشناسی دستور زبان فارسی که در آن مجله چاپ شده است.

۲- انتقاد نوشته من بود و جواب ایشان با امتنان در مجله به نام ایشان چاپ شد.



۲ - مجله مهر شماره اول سال دوم هنوز نرسیده و لابد فرستاده نشده، اگر موجود است توسط حامل لطف فرمائید.

۳ - از آقای سالک<sup>۱</sup> ابدأ خبری نیست.

۴ - آقای لانکامرر در قیمت طبق صورتی که به دست پسر عموست قوس تصاعدی می پیمایند. پنج تا را جلدی ۲۵ ریال، ۱۰ جلد بعدی را جلدی ۳۰ ریال و ده جلد بعدی را جلدی ۴۰ ریال حساب کرده اند. در صورتیکه هر مزدنامه را ۲۵ ریال حساب کرده اند و به حقیقت تجلید آن بهتر است از جلدهای کتب من. در هر حال سفارش فرمائید.

محمد معین

- ۵ -

دوست عزیز آقای ایرج افشار

نامه شریف و اوراق رسید. الان تصحیح کردم. راجع به سطوری که مرقوم داشته اید اصل گم نشده معلوم نشد از کجاست، زیرا آخرین سطرهای فرم تصحیح شده قبلی را در دست ندارم. معهدا احتیاط یک صفحه قبل از شروع ص ۱ (که با مداد آبی علامت گذاشته ام) به خط خود پاکنویس کرده ام که اگر چیزی پس از آخرین سطر فرم قبلی جامانده چیده شود. نمره صفحات را با مداد آبی به ترتیب علامت گذاشته ام. در مطبعه پس و پیش نشود.

از فردا منزل آقای دهخدا تعطیل است. اگر فرمایشی بود به منزل ۳۳۰۳۳ تلفن فرمائید. اگر تا فردا غروب این فرم تصحیح شد و لازم داشتید که بنده ببینم به کتابخانه دانش لطف فرمائید که همان جا تصحیح و تقدیم شود. روز پنجشنبه گمان می کنم به سوی شمال برای رفع خستگی حرکت کنم. اگر زیارت دست داد قنبا و الابدین وسیله تودیع می کنم.

ارادتمند - محمد معین

اخبار را نیز از ستون یازده که فقط چهار سطر آن چیده شده، همراه می فرستم.

- ۶ -

جناب آقای ایرج افشار دوست معظم

نامه جناب عالی زیارت شد. تا چند روز دیگر مقاله بیلی حاضر خواهد شد، یعنی قبل از حرکت شما. درین صورت خواهشمند است مقرر نمائید مقدمات پرداخت وجه لازم را انجام

۱ - هیچ موضوع به یادم نیست.

دهند<sup>۱</sup> که پس از تحویل به شخص جنابعالی کارسازی شود.

ارادتمند - محمد معین

۲۳ - ۱۰ - ۳۵

-۷-

دوست گرامی و فاضل آقای ایرج افشار

کارت شریف زیارت شد. چند روز بود تصمیم داشتم نامه‌ای تقدیم کنم ولی نشد. کارت جنابعالی را به آقای دکتر صفا دیروز نشان دادم، آدرس شما را یادداشت کردند. ایشان در ماه آبان حرکت خواهند کرد. اشکالاتی بود که به آقای رعدی نوشتند. در نظر داشتند شخصاً بدون استفاده از بورس یونسکو به پاریس بروند ولی منصرف شدند و با همان بورس با خانم خواهند آمد. از آقای تقی‌زاده یک کارت از مونیخ و یک نامه با گزارش کنگره<sup>۲</sup> از لندن داشتم. همین دو سه روزه نامه‌ای به ایشان می‌نویسم (به آمریکا) و یک نامه هم توسط سفارت به لندن فرستادم. قطعاً بعد از حرکت به آنجا رسیده. نامه‌ای به آقای خوئی نوشتم و در جوف آن نامه‌ای هم به آقای مینوی نوشته‌ام. در مکاتباتی که با آقای خوئی می‌فرمائید یادآوری بفرمائید، آیا رسیده است یا نه. نتیجه اقدامات راجع به آقایان مزبور را برای آنان شرح داده‌ام و هنوز به مرحله اخذ وجه نرسیده است. آقای دکتر یار شاطر از لندن نامه‌ای نوشتند که به پاریس می‌روند و هنوز به تهران نیامده‌اند. کتاب گریشمن (ایران) را منتشر کرده‌اند. آقای هانری کرین با خانم وارد شده‌اند. معلوم شد در موقعی که ما در سویس بودیم آنها در Ascona (سوئیس) بودند و نامه من مدتها بعد در پاریس به آنها رسید.

رفقا غالباً از شما می‌پرسند. آقای پورداود مخصوصاً از شما احوال پرسی کردند. همانطوری که مرقوم فرموده‌اید از KLM روز بعد حرکت شما اطلاع دادند که در ظرف پنجاه دقیقه اگر می‌توانید حاضر شوید. با فرست کلاس می‌توانید به تهران بروید. من هم فوراً حاضر شدم. راجع به لغتنامه مرقوم داشته‌اید از حسن ظن شما متشکرم، اما اشکالات را هم بیان کرده‌ام. فعلاً سر کار حاضر می‌شویم و همین ماه یک جلد ط (سی و سومین مجلد) را منتشر کرده‌ایم. اگر به لندن تشریف بردید کتابهایی که به درد من می‌خورد (مخصوصاً دایرةالمعارف اسلام

۱- آن مقاله را برای بنگاه ترجمه و نشر کتاب ترجمه می‌کرد. من در آن اوقات از سوی دکتر یار شاطر که به امریکا رفته بود تصدی امور آنجا را داشتم و مدتی نشد که عازم سفر اروپا شدم.

۲- اشاره به بیست و پنجمین کنگره بین‌المللی مستشرقین است که در مونیخ تشکیل شده

چاپ فرانسه از شماره ۵ به بعد) فراموش نفرمائید.

شاید تا دو ماه دیگر همان طور که عرض کردم به پاکستان بروم. از ماهیار<sup>۱</sup> خبری ندارم. دکتر یار شاطر نوشتند که در لندن است ولی ایشان را ندیده‌اند. هر وقت فرصت فرمودید نامه‌ای مرقوم دارید موجب کلی مسرت بنده خواهد بود. توفیق شما را خواستارم. کتاب یادداشتهای قزوینی جلد سوم منتشر شده دیروز یک جلد گرفتم و مشغول استفاده هستم.

ارادتمند - محمد معین

۷ مهر ۱۳۳۶

### ۹۸۵ - هاراسوویتز - وایگل F. Weigel و ایران

مؤسسه انتشاراتی و کتاب‌فروشی هاراسوویتز Harrassowitz مستقر در ویسبادن به دنیای شرق‌شناسی خدمات زیاد کرده است. این مؤسسه در زمان آلمان هیتلری در شهر لایپزیک استقرار داشت و پس از جنگ به شهر ویسبادن انتقال پیدا کرد. لایپزیک در قسمت آلمان شرقی قرار گرفته است و پس از جنگ تحت سیطره شوروی درآمد. طبعاً مزاج شرق‌شناسی سستی آلمانی همسانی با نظریات و رویه‌های کمونیستی چه از حیث علمی و چه بازاریگانی نداشت. انتشارات هاراسوویتز از آغاز فعالیت نشان داده بود که پژوهشهای علمی در زمینه مطالعات مربوط به جهان شرق را در نظر دارد و به دنبال چاپ و انتشار کتب شرق‌شناسان کمونیستی آن هم به زبان روسی نیست.

نخستین بار در ۱۳۳۶ به همراهی مجتبی مینوی و عباس زریاب‌خویی به آن دستگاه رفتم و قسمت مربوط به آسیای آن را - که کتابهای خاص ایران هم در آنجا قرار داشت - بررسی کردم و مقادیری از کتابهای جدید و بعضی از چاپ شده‌های قدیمی دست دوم آنجا را برای کتابخانه دانشکده حقوق که در آن روزگار کتابدار آنجا بودم خریداری کردم.

مدیر این بخش جوانی بود که شاید دو سه سالی از من بزرگتر بود. نامش فلیکس وایگل بود. اگر اشتباه نکنم شرق‌شناسی نخوانده بود ولی دل بسته به دنیای کتابهای شرقی شده بود. ایشان بیش از سی سال مدیر این قسمت و صاحب سهم در تشکیلات آنجا بود. حدود سال ۱۹۸۵ خود را بازنشسته کرد و در شهرکی از فرانسه زندگانی آرام و بی‌خیالانه دوران بازنشستگی را پیش گرفت. اگر چه هفت هشت سالی است که به وطن خود بازگشته و در قصبه‌ای سکنی گزیده است. فلیکس سرزنده، پُرکار، صریح القول و کارآمد بود. بخش آسیای هاراسوویتز را چنان

گسترده و مفید ساخته بود که کتابفروشان رقیب او در انگلیس و هلند به انگشت کوچک آن نمی‌رسیدند. هفر (Heffer) و آد اوریتم (Ad Orientem) هر دو در انگلیس و بریل (Brill) با تاریخی بیش از سیصد سال) در هلند و چند کتابفروش دیگر می‌خواستند با آن رقابت بکنند ولی هاراسوویتز در مشتری‌یابی و خدمت‌گری بیش و پیش بود.

وایگل از زمانی که امکانات سفر آسان شد خودش به کشورهای شرقی سفر می‌کرد و با کتابفروشان و ناشران و مخصوصاً کتابخانه‌ها ارتباط داشت. در کشورهای دیگر نمایشگاه کتاب بر پا می‌کرد. از جمله در ایران دو یا سه بار نمایشگاه ترتیب داد. بیشتر به موقع تشکیل دوره‌های کنگره تحقیقات ایرانی بود که متوجه به آن شده بود که عرضه کردن کتابهای مربوط به ایران و شرق در چنین جریانی مفید است. می‌دانست که اگر شرکت کنندگان توانایی خرید نداشته باشند مجموعه‌های ارائه شده در نمایشگاه را کتابخانه‌ها می‌خرند. (آن روزگاران البته دلار هفت تومان بود و در نمایشگاه کتابها را ارزاتر هم می‌فروخت). یکی ازین نمایشگاه‌ها در دانشگاه ملی آن وقت و دیگری در دانشگاه تبریز برگزار شد.

اما دلپذیرتر از همه نمایشگاهی بود که چندی پس از تشکیل موزه رضا عباسی به سال ۱۳۵۷ (شهریور - آبان) تشکیل داد و اتفاقات و حوادث را پشت سر گذرانید و ظاهراً بهای مجموعه بسیار مفیدی را که برای نمایشگاه آورده بود موزه رضا عباسی پرداخت و آن مجموعه گرانتقد در آن موزه کارآمد واقع شد. برای آنکه علاقه‌مندان از چند و چون آن آگاهی بیابند و برای اینکه گوشه‌ای از تاریخ ایران‌شناسی گفته شده باشد متن مقدمه‌ای را که به درخواست وایگل و مدیر موزه بر دفترچه معرفی نمایشگاه نوشته بودم و به نام «نمایشگاهی از ۲۱۰۰ اثر تازه ایران‌شناسی، شهریور - آبان ۲۵۳۷» چاپ شده است درین رشته یادداشتها به چاپ می‌رسانم. این فهرست حاوی اطلاعات مربوط به چهل و هشت دوره کامل از مجله‌های مشهور شرق‌شناسی مانند ZDMG، BSOAS، JRA، JA، و مجموعه‌های اساسی از کتابشناسیها، فهرستها، مجموعه‌های کنگره‌ها و مقالات و جشن‌نامه بود، در حقیقت ابزارهای نخستین پژوهش در زمینه شرق‌شناسی.

هاراسوویتز در اغلب کنگره‌های بین‌المللی شرق‌شناسان و دیگر کنگره‌های اختصاصی آن مانند اسلام‌شناسی - عرب‌شناسی - ترک‌شناسی از برگزاری نمایشگاه غفلت نداشت و یادم است که در مسکو (۱۹۶۰) نمایشگاهش برتری داشت بر دیگر شرکت‌کنندگان. زیرا توانایی آن داشتند که از اطراف و اکناف عالم یعنی قلمرو هند و پاکستان و ژاپون و ممالک پشت پرده آهین و همه ممالک اسلامی و طبعاً تمام کشورهای اروپایی و امریکا کتابها و مجله‌ها را گردآورند.

از کارهای منظم بخش آسیایی هاراسوویتز نشر فهرستهای (کاتالگ) مرتب و منظمی بود که اگر بیجا نگویم گاهی در حکم کتابشناسی (بیبلیوگرافی) کتابهای مربوط به شرق بود. هر چند یک بار هم فهرستی خاص ایران منتشر می‌کرد همچنان که برای اسلام، هند، ژاپون.

وایگل برای به دست آوردن کتابهای تحقیقی و برجسته از هر کشوری کسانی را به مدد می‌گرفت و می‌کوشید منظمأ با این طبقه از کتابها آشنایی داشته باشند. پس برای جمع و جوری مجموعه خود از کتابهای ایرانی از دوستم کیکاوس جهاننداری و حسن محبوب و من خواسته بود که او را راهنمایی کنیم.

اغلب کتابخانه‌های دانشگاهی ایران و مخصوصاً کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران و کتابخانه مجلس سنا و مؤسسه آسیایی شیراز و مؤسسه فرهنگی آسیا و بنیاد فرهنگ ایران (برای پژوهشکده) از او کتاب می‌خریدند. مرتضی تیموری در دوره ریاست کتابخانه دانشگاه اصفهان صحبت هاراسوویتز ورد دهانش بود. همیشه می‌گفت اگر هاراسوویتز نبود چه می‌کردیم و چه سرگشتگی داشتیم.

هاراسوویتز مبشر و پخش کننده اغلب مجله‌های جدی ایران بود از قبیل سخن و یغما و راهنمای کتاب و بررسی‌های تاریخی و فرهنگ ایران زمین.

او همکاری خود را با آینده هم ادامه داد و با اینکه انقلاب گسستگی در کارش به وجود آورد ولی دست از کار خود نکشید.

وایگل پس از این که آینده آغاز به انتشار کرد برای آنکه پژوهشگران ایران را با انتشارات تازه ایرانشناسی آشنا سازد فهرستهایی برای نشر اختصاصی در آینده فراهم می‌ساخت و چندی این کار مفید ادامه داشت و فهرستها به نام خود او در آن مجله درج شده است و یادگاری دیگرست از شور و شوق او در گسترده ساختن مجموعه‌های تحقیقاتی کتابخانه‌ها.

از موقعی که وایگل به دهکده فرانسوی رفت کارتهای تبریک نوروز او می‌رسید و گاهی هم مکاتبه مفصل تری میانمان متبادل می‌شد. هفت سالی است که از آنجا به دهکده‌ای در آلمان هجرت کرده است. هر کجا هست خدایا به سلامت دارش.

درین جا مناسب دیدم مقدمه دفترچه نمایشگاه را با رسم الخط خودم که ممکن است روزی به کار آید تجدید چاپ کند



در نمایشگاهی که فهرست موضوعی آن در این دفتر به اختیار دیدارکنندگان است بیش از ۲۳۰۰ عنوان کتاب و مجله و نشریه (بالغ بر ۳۰۰۰ جلد) خاص مطالعات و تحقیقات ایرانی به زبانهای مختلف اروپائی و بعضی از زبانهای آسیائی گردآوری شده است.

زحمت مجموعه‌سازی و تنظیم آن را موسسه Otto Harrassowitz اوهاراسویتز که از ناشران و کتابفروشان مشهور آلمان و مخصوصاً متخصص در رشته‌های خاورشناسی است و در شهر Wiesbaden و یسبادن قرار دارد بر عهده داشته است و آقای Felix Weigel فلیکس وایگل یکی از مدیران و رئیس قسمت کتابهای مربوط به مشرق آن موسسه با صرف وقت و دقت و علاقه زیاد و دوبار مسافرت به ایران مباشر مستقیم در تهیه و تنظیم آن بوده است.

مجموعه ساختن از کتابهای تحقیقاتی مربوط به مشرق و از جمله در رشته ایرانشناسی کاریست دشوار. زیرا علی‌الاصول این گونه کتب و نشریات به تعداد کم، وعده‌ای از آنها توسط مؤسسات و مراکزی کم آوازه که در شهرهای مختلف جهانی قرار دارند نشر می‌شود. ناچار چنین نشریه‌ها دشواریاب است و به فاصله مدتی کوتاه کمیاب هم می‌شوند و چندی نمی‌گذرد که حکم نایاب می‌یابند. ضمناً طالب این نوع از کتب و مجلات آن دسته از کتابخانه‌ها و دانشگاهها و مؤسسات خاص تحقیقاتی خواهند بود که دارای شعبه شرقشناسی می‌باشند. بهمین جهت ناشران و کتابفروشان که به چاپ و نشر و فروش این نوع از کتب می‌پردازند تعدادشان معدودست.

در حال حاضر بیش از دو سه کتابفروش معتبر در جهان نیست که قادر به مجموعه‌سازی و قبول سفارش کلی در این زمینه می‌باشند. البته پنج شش ناشر مشهور و قابل توجه برای نشریات شرقشناسی در ممالک اروپا و امریکا وجود دارد ولی آنها اغلب کتبی را می‌فروشند که خود به چاپ می‌رسانند.

همیشه تهیه چنین مجموعه‌هایی برای یک کتابخانه اختصاصی (کتابخانه ملی یا کتابخانه‌های دانشگاهی و موسسه‌ای) آسان نیست. چه کتابداران در بسیاری از مواقع مجبور می‌شوند که برای چنین مجموعه‌ای با مؤسسات و مراکز و ناشران متعدد و در ممالک مختلف بارها و بارها مکاتبه کنند تا با زحمات زیاد موفق به جمع‌آوری تعدادی از کتابها در طول سالهایی چند بشوند. پس ارزش معنوی چنین مجموعه‌ای برای دیدارکنندگان روشن خواهد بود و فهرستی که از آن ترتیب یافته است راهنمایی با ارزشی خواهد بود برای علاقه‌مندان و متخصصان.

انتشار چاپی کتابهای شرقشناسی در کشورهای مهم اروپایی بیش از سیصد سال سابقه دارد، زیرا از زمانی که سفر مبلغین مسیحی و سیاحان و بازرگانان و مأموران دولتی کشورهای اروپایی به ممالک شرقی و از جمله ایران رواج گرفت تألیف و نشر سفرنامه‌ها و کتابهایی که توسط آنان برای آموزش زبانهای شرقی نوشته می‌شد نیز آغاز شد. اکنون کتابهایی که در قرون شانزدهم و هفدهم به چاپ رسیده است همه نایاب است و امروزه هر یک که به دست می‌آید صورت عتیقه

به خود یافته است و به بهای گران خرید و فروش می‌شود. کتابهایی که دربارهٔ ایران نوشته و چاپ شده است نیز همین حکم را دارد و بعضی از آنها چندان معتبر و مورد لزوم بوده است که در سالهای اخیر تجدید چاپ شده‌اند و در میان نمایشگاه حاضر نمونه‌هایی از آنها دیده می‌شود. یک دسته از چاپ شده‌های مربوط به شرقشناسی که دارای اهمیت وافر علمی و تحقیقاتی است مجلات و انتشارات ادواری و مجموعه‌هایی است که جمع‌آوری آنها برای افراد و اشخاص میسر نیست و معمولاً کتابخانه‌های بزرگ قادر به خریداری و نگاه‌داری آنها می‌باشند. تعداد مجلاتی که خاص نشر مقالات شرقشناسی است به حدود یکصد می‌رسد و چون هنوز چنانکه باید این نوع از مجلات جنبهٔ تخصصی نیافته است ناچار تهیهٔ همهٔ آنها برای هر یک از رشته‌های شرقشناسی لازم است، اگر چه ممکن است که در دورهٔ یکسالهٔ هر یک از آنها یک مقاله هم دربارهٔ ایران به چاپ نرسیده باشد.

در بیست سی سالهٔ اخیر نشر کتابهایی که دارای عکس و تصویرهای زیباست (و چیزی است در حکم آلبوم) بسیار رایج شده است. امروزه این نوع از کتابها که اغلب مبتنی بر تحقیقات و مطالعات اساسی و علمی است در معرفی کشورهای مشرق و تمدنهای گذشتهٔ این سرزمینها مقامی با ارزش یافته است. ناچار گردآوری آنها از کارهایی است که برای هر کتابخانهٔ هنری و فرهنگی لازم می‌نماید.

در این نمایشگاه تصویرهای عده‌ای از بزرگان ایران‌شناسان و نیز خطوط فارسی جمعی از ایران‌شناسان کنونی به معرض نمایش گذاشته شده است و البته نمونه است برای دیدارکنندگان. خطها گویای دلبستگی کسانی است که تحقیق و مطالعه در تمدن و فرهنگ ایرانی را سرمایهٔ حیات خویش ساخته‌اند.

ایرج افشار

#### ۹۸۶ - نامه‌ای از تقی‌زاده به امیر خیزی

نامه از زمانی است که تقی‌زاده مغضوب و در لندن مقیم بوده است (پس از مقام سفارت در پاریس)، امیرخیزی در آن وقت ریاست مدرسهٔ دارالفنون را در عهده داشته است. از عبارت پایانی تقی‌زاده که می‌گوید «چون می‌دانم کار زیاد دارید و شاید ملاحظات دیگری نیز باشد انتظار و توقع جواب از جناب عالی ندارم» خوب مشخص است که مقصود چیست.

در ابتدای نامه، از وزیر حالیه علی‌اصغر حکمت منظورست. در اواسط نامه مراد از «منتخبات ادبیه» کتابی است که در سال ۱۳۱۴ به اهتمام امیرخیزی به نام «قطعات منتخبه» برای تدریس در مدارس انتشار یافته بود.

از نکته‌های مهم مندرج درین نامه صحبت از لغات حسنوست که امیرخیزی گردآوری

می‌کرده است و از نظر زیانشناسی مورد توجه تواند بود. آیا خبری از آن می‌توان به دست آورد؟  
اصل این نامه در اختیار آقای حسن‌زاده است و آقای نادر مطلبی‌کاشانی از راه لطف فتوکپی از  
آن برای من تهیه کرده است. از هر دو بزرگوار سپاسگزارم.

۱۸/ اسفندارمذ ماه ۱۳۱۵

دوست عزیزم به مناسبت قرب عیدنوروز می‌خواهم بدین وسیله تبریکات  
خالصانه قلبی را خدمت عالی تقدیم کنم و سعادت و سلامت عالی را در سال نو مسئلت نمایم.  
امیدوارم حال شریف خوب است و ملالی ندارید و کارها بدلبخواه و یکام است. از دوست  
عزیزمان آقای بادامچی<sup>۱</sup> چندی است خبری ندارم و نگرانم. اگر آقای نخجوانی<sup>۲</sup> طهران باشند  
لطف فرموده سلام بنده را برسانید. هم چنین به آقا میرزا هادی خان اشتری که گمان دارم گاهی  
ملاقات می‌فرمائید.

از ترقیات معارف و جد و سعی بلیغ وزارت معارف و وسعت دایره تعلیمات ضغیر و کبیر  
خیلی خوشوقتی و شکر حاصل است. حقیقه وزیر حالیه هم خیلی زحمت می‌کشد و شوق و  
ذوق کامل و نیت خوب دارد و قدردانی از امثال عالی دلیل بین است. از قراری که میشنوم  
در هر رشته کار میشود از حال بنده بخواهید سلامت حاصل است و عمری درین گوشه  
بمطالعه می‌گذرد مشغول اتمام تاریخ «از پرویز تا چنگیز» هم هستم

وقتی مشغول تتبع در علم عروض بودید. اگر چیزی مرقوم فرموده‌اید و چاپ شده خیلی  
ممنون میشوم نسخه‌ای برای بنده بفرستید و نیز می‌خواستم عرض کنم وقتی مقداری از لغات  
حَسَنَوُ تَدوین و جمع‌آوری فرموده بودید. اگر مایل بنشر آن باشید که در اروپا خیلی خیلی  
مطلوب خواهد بود ممکن است یک نسخه برای بنده ارسال فرمائید در یکی از مجلات علمی  
مستشرقین بزبان خودشان نشر نمایم. خیلی مفید و مستحسن است و خودم نیز خیلی ممنون  
میشوم

در مدارس شرقی انگلیس بنابر توصیه بنده خواستند منتحبات ادبیّه جنابعالی را از امسال  
بجای فوائد الادب کتب درسی قرار بدهند. ولی وقتی که موقع ترتیب پروگرام‌ها رسید معلوم شد  
سلسله نشریات سرکار مال سال سوم و چهارم را ندارد (یا در هر حال ما اینجا نداشتیم) و لذا  
موقوف داشتند و باز فوائدالادب برقرار ماند. اگر مؤلفات عالی جزو کتب درسی شده بود سالی  
مقداری اینجا بفروش میرفت



21 Eagle Lodge  
Golders Green Road.

London N.W. 11.

۱۸ آگست ۱۳۱۵

دوکت عزیزم      مناسبت قرب عید نوروز میخوام به بنی و کلیه

تبریکات خالصانه قلبی را خدمت عالی تقدیم کنم و سعادت و سلامت عالی را در سال  
نوسنتت بنام امیدوارم حال شریف خوب است و ملالی ندارید و کارها به لحاظ  
و بکام است از دوکت عزیزمان آقای باداچی چندی است خبری ندارم و مگر اینم  
اگر آقای مخجوانی همراه باشند لطف فرمود سلام بنده را برسانید هم چنین آقای  
میرزا نادری خان اشتری که گمان دارم گاهی ملاقات میخوانید از ترقیات معارف  
و جدوسی بلنچ وزارت معارف و وسعت دایره تعلیمات صنوبر و کبیر خلی مشرفی  
و شکر حاصل است حقیقه وزیر حالیم خلی رحمت میکند و شوق و ذوق  
کامل و نیت خوب دارد و قدردانی از اتمال عالی دلیل بین است از تو درنگ  
میشوم در مهر رشته کار میشود از حال بنده بخوانید سلامت حاصل  
است و عمری درین گوشه مطالعه میکند مشغول امام تاریخ از پرویز تا  
چنگیز هم هستم وقتی مشغول تتبع در علم عروض بودید اگر چیزی مرقوم  
فرموده اید و چاپ کنند خلی ممنون میشوم نسخه ای برای بنده بفرستید و نیز

میخواستم عرض کنم وقتی متصدرا را از لفات حاکم<sup>ت</sup> تهریزی و صح آوری فرمود، بودی که مالک بنشیند آن باشی که در دار و یا ضعیف  
 ضعیف مطلوب خواهم بود مکنست که نشانی برای بنده، اگر سالها مانده در یکی از مجلات علمی مستشرقین زبان مورخان نشان فرستادم  
 ضعیف منهدم و سختی است و خودم نیز ضعیف منون باشم  
 بنده، خواستند متفحصی از بنیه فضا جالی را از اربسال بجای فواید اللاب کتب درسی قرآنی آوردم بنده اول و تفکیک  
 موقع ترتیب برهه ام تا اگر کتب معلوم شدند سلسله نشانیات سرکار، مالک اسل کسوم و چهارم را نشان داد (یا دارم  
 حال ما اینجا نه اشعیم) و لذا سورت داشتند و باز فواید اللاب بر آورد مانده که متون لفات عالی جو و کتب درسی نشد  
 بود سالی متصدرای اینجا نورش بر رفت ضعیف میل دارم اطلاع از کتب منتشره در ایران داشته باشم ولی  
 سرکاری درم بنیه معلوم بنهاد آیا مکنست حضرت عالی کسی لایق و اطمینانی کار از جوانان زیر کت خود تا مورد نظر ما شد  
 فکر حق بالمشیه حاجت از کتی کرد بیت سال اخیر در ایران جانچند از هر قبیل آینه خود، برای بنده بگویند و بعد ما  
 نیز یکی بنشیند اوقات همه به در طهران و بلاد دیگر از کافه بلاد بنده در عرض آنجا ملک علمی در بی صفات لازم بودیم

باشند از مقالات و مجلات علمی و نوشتجات خودم و یا کتب در سائیل اروپا  
منیوگتم شاید از محصلین رشته ادبی جوانی شایق این کار باشند مثل  
تاری رعدی که حالا ماشاء الله جوان لایق و کاردانی شده است منظور بنده  
یک رعدی کوچکتری است و اگر کسی باشد که انگلیسی هم کم و بیش بداند البته بهتر  
است دو خود نخته مقاله که اینجا بنده در یکی از مجلات علمی منتشر قبی  
نوشتم و چاپ شد ( چیز خفیه کوچکی ناقابل است ) از سبب تقدیم خدمت داشتم  
یکی را بآن شخصی جوان مقدر که انشاء الله پیدا خواهد کرد التفات فرمائید  
و دیگری را در کتابخانه مدرسه دارالفنون به سبب ضبط نمائید زیاد عرضی  
ندارد جز تقدیم مراتب مودت صمیمی حسن تقی زاده

لایحه و کتبان و آشنایان که دوست مشرک هستند سلام دارم و خواهشمندم  
در موقع ملاقات ابلاغ فرمائید مانند آقایان دمخدا و یکانی و منصور حضرت  
آقای اردبیلی که مدتهاست خبری از ایشان ندارم و خفیه بایم از حالات و گذارش  
ایشان مطلع باشم همین باخوی محترم خودتان و سرکار خانم اردبیلی و  
خانم های دیگر آن خانواده چون میدانم کار زیاد دارید شاید  
ملاحظات دیگری نیز باشد انتظار و توقع جواب از جناب عالی ندارم

خیلی میل دارم اطلاع از کتب منتشره در ایران داشته باشم ولی هر کاری کردم نتیجه مطلوبه نداد، آیا ممکن است حضرتعالی کسی لایق و اهل این کار از جوانان زیردست خود [را] مأمور بفرمائید فهرستی بالنسبه جامع از کتبی که در بیست سال اخیر در ایران چاپ شده از هر قبیل تهیه نموده برای بنده بفرستد و بعدها نیز اسامی انتشارات جدید را در طهران و بلاد دیگر از گاهی بگاهی بنویسد و در عوض آنچه کمک علمی درین صفحات لازم داشته باشد از مقالات و مجلات علمی و نوشتجات خودم و یا کتب و رسائل اروپا می فرستم شاید از محصلین رشته ادبی جوانی شایق این کار باشد مثل آقای رعدی<sup>۱</sup> که حالا ماشاءالله جوان لایق و کاردانی شده است. منظور بنده یک رعدی کوچکتری است و اگر کسی باشد که انگلیسی هم کم و بیش بداند البته بهتر است.

دو جزوه نسخه مقاله که اینجانب در یکی از مجلات علمی مستشرقین نوشتم و چاپ شده (چیز خیلی کوچک ناقابلی است) از پت تقدیم خدمت داشتم. یکی را بآن شخص جوان مقدر که انشاءالله پیدا خواهید کرد التفات فرمائید. دیگری را در کتابخانه مدرسه دارالفنون بدهید ضبط نمایند. زیاده عرضی ندارد جز تجدید مراتب موذت صمیمی

حسن تقی زاده

۱۰۱

بهمه دوستان و آشنایان که دوست مشترک هستند سلام دارم و خواهش مندم در موقع ملاقات ابلاغ فرمائید مانند آقایان دهخدا<sup>۲</sup> و یکانی<sup>۳</sup> و مخصوصاً حضرت آقای اردبیلی<sup>۴</sup> که مدتهاست خبری از ایشان ندارم و خیلی مایلیم از حالات و گزارش ایشان مطلع باشم. هم چنین به اخوی محترم خودتان و سرکار و خانم اردبیلی و خانم های دیگر آن خانواده. چون میدانم کار زیاد دارید و شاید ملاحظات دیگری نیز باشد انتظار و توقع جواب از جنابعالی ندارم. ح. ت.

#### ۹۸۷ - چرا بیانی؟

در موضوع نام خانوادگی بیانی بر من اشتباهی روی آورد که آن را مأخوذ از تخلص شعری علیقلی میرزا اعتضادالسلطنه دانستم و ولی دوست فاضل آقای بهرام بیانی تذکر فرمود که چنین نیست. لذا از ایشان خواستار شدم مطلب را مرقوم دارند و این است نامه ای که به من مرقوم داشته اند.

در تازه ها و پاره های ایران شناسی شماره ۴۳ موضوع شماره ۹۴۴، «مجله مطالعات قاجاری»

۲ - علی اکبر دهخدا

۱ - دکتر غلامعلی رعدی آذرخشی

۴ - سیدجلیل اردبیلی از دموکراتهای قدیم

۳ - اسمعیل یکانی از دموکراتهای قدیم

مندرج در شماره، مهر و آبان ۱۳۸۳، پی در پی ۳۸. مرقوم فرموده‌اند «نام خانوادگی بیانی برگرفته است از تخلص شاهزاده علی قلی میرزا اعتضاد السلطنه در شعر».

شاهزاده علی قلی میرزا تخلصش «بیانی» بوده است و بخشی از خانواده بیانی از طرف مادری از احفاد ایشان هستند، ولی نام خانوادگی بیانی برگرفته از لقب حاج میرزا یوسف خان «بیان الممالک» است.

حاج میرزا یوسف خان «بیان الممالک» تبریزی است و فرمانهایی که پادشاهان قاجار (ناصرالدین شاه، مظفرالدین شاه و محمدعلیشاه) به او داده‌اند تماماً بدلیل خدمات ایشان در آذربایجان است (اصل فرمانها نزد اینجانب است). در جمادی الاول ۱۳۰۶ قمری «سررشته‌دار دفتر خانه مبارکه آذربایجان»، «سررشته دار کل تلگرافخانه مبارکه آذربایجان» و در همین سال بفرمان مظفرالدین میرزا ولیعهد «بدلیل قابلیت و لیاقت»، «در سلك مستوفیان سرکاری منسلک» شده است. مظفرالدین شاه قاجار در رجب المرجب ۱۳۱۴ قمری طی فرمانی «معمد السلطان حاج میرزا یوسف خان مستوفی» را که «در آذربایجان با کمال صداقت و کفایت مشغول خدمتگزاری بوده است» به لقب «بیان الممالک» ملقب می‌کند.

دختر حاج میرزا یوسف خان بیان الممالک خانم ملیح السلطنه همسر محمدعلیشاه قاجار و مادر پسر ارشد او شاهزاده حسینعلی میرزا اعتضاد السلطنه (اعتضاد السلطنه دوم) بوده است. چون خانم ملیح السلطنه قجر نبود، حسینعلی میرزا نتوانست به سلطنت برسد و برادر کوچکتر، شاهزاده سلطان احمد میرزا پادشاه شد.

نوه دختری شاهزاده علی قلی میرزا اعتضاد السلطنه خانم توران الملوک، همسر ابوالحسن خان بیانی - فرزند حاج میرزا یوسف خان بیان الممالک - و مادر آقای مهندس علی قلی بیانی است. نتیجه پسری علی قلی میرزا، خانم مهردخت اعتضادی - فرزند محمدعلی میرزا اعتضادی - همسر پدر ما دکتر عباسقلی بیانی - فرزند ابوالحسن خان بیانی - و مادر من و برادرم بهمن است.